۲۳،۷ همت مبادله گواهی سپرده مس کاتد در یک‌سال

حجم معاملات گواهی سپرده کالایی مس کاتد در بورس کالای ایران از زمان راه‌اندازی این ابزار در ۲۸ مهر ۱۴۰۴ تاکنون، از مرز ۱۰ هزار تن عبور کرد؛ ارزش معاملات این دارایی نیز به ۲۳،۷ همت رسیده است. بازار گواهی سپرده کالایی مس کاتد بورس کالای ایران که از ۲۸ مهر سال ۱۴۰۴ در دسترس سرمایه‌گذاران قرار گرفته، در طول یک‌سال نخست فعالیت خود بیش از ۱۰ هزار تن معامله را به ثبت رسانده است. داده‌های آماری نشان می‌دهد، ارزش داد‌وستد گواهی سپرده مس کاتد از ابتدای عرضه تاکنون به ۲۳ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان رسیده است. موجودی مس کاتد در انبارهای مورد پذیرش بورس کالای ایران به ۵۷۹۱ تن رسیده که ظرفیت قابل توجهی برای پشتوانه‌سازی معاملات این ابزار فراهم می‌کند. بررسی ترکیب مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد در مجموع ۲۴ هزار و ۳۰۶ کد معاملاتی در بازار گواهی سپرده کالایی مس کاتد فعال هستند که از این تعداد ۲۳ هزار و ۸۱۲ کد مربوط به اشخاص حقیقی و ۲۲۰ کد نیز متعلق به اشخاص حقوقی است.

آیین‌نامه تسویه بدهی‌های دولت به بانک‌ها از طریق صدور «اوراق تسویه»

معاون اول رییس جمهوری مصوبه هیات وزیران درباره آیین‌نامه اجرایی تسویه بدهی‌های دولتی به بانک‌ها و موسسات اعتباری از طریق صدور اوراق تسویه را به وزارت اقتصاد، سازمان برنامه‌وبودجه و بانک مرکزی ابلاغ کرد. در این ابلاغیه که به امضای محمدرضا عارف رسیده، آمده است هیات وزیران در جلسه ۲۶ مهر ۱۴۰۵ به پیشنهاد شماره ۵۲۲۷۵/۵۷ در تاریخ اول تیر ۱۴۰۵ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد اصل یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای ردیف شماره (۴۵۱۰۱۴) جدول شماره (۲۳) منابع جمعی- خروجی (اوراق تسویه خزانه بابت تسویه مطالبات قطعی و حسابرسی شده بانک‌ها و موسسات اعتباری از دولت) و ردیف شماره (۸۳۰۰۲۱) جدول شماره (۲۴) مصارف جمعی-خروجی (تسویه بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به بانک‌ها با تبدیل بدهی بانک‌ها و موسسات اعتباری به بانک مرکزی به بدهی دولت به بانک مرکزی از طریق اوراق تسویه) قانون بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور، آیین‌نامه اجرایی موضوع تسویه بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به بانک‌ها و موسسات اعتباری از طریق صدور اوراق تسویه را تصویب کرد.

کدام نمادهای بورسی تحت تاثیر گرانی برق قرار می‌گیرند؟

نبض بورس | از ابتدای آبان‌ماه، تغییر نرخ سوخت تحویلی به نیروگاه‌ها و اصلاح مولفه سوخت در قبوض برق، معادلات هزینه‌ای صنعت برق و برخی صنایع بورسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تغییرات از یک‌سو هزینه تأمین سوخت نیروگاه‌ها را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، با بالا رفتن سقف قیمت برق در بازار عمده‌فروشی، می‌تواند بر درآمد شرکت‌های تولیدکننده برق اثر بگذارد. همچنین هزینه برق مشترکان نیز براساس نوع مصرف و میزان مصرف، با تغییر همراه خواهد شد. احسان ذبیح‌زاده، سخنگوی صنعت برق، اعلام کرده است که به دنبال افزایش نرخ سوخت تحویلی به نیروگاه‌ها و اعلام نرخ گواهی سوخت از سوی وزارت نفت، سقف قیمت برق در بازار عمده‌فروشی از ابتدای آبان‌ماه افزایش یافته است. همزمان، مولفه هزینه سوخت در قبوض برق نیز از ابتدای آبان تغییر کرده است. این هزینه با توجه به نوع مصرف مشترکان شامل خانگی، صنعتی، عمومی، تجاری و کشاورزی محاسبه می‌شود و میزان آن برای همه گروه‌ها یکسان نیست. در بخش خانگی نیز محاسبه هزینه سوخت به‌صورت پلکانی انجام می‌شود؛ به‌طوری که مصرف تا الگوی تعیین‌شده، تا یک‌ونیم برابر الگو، تا دوونیم برابر الگو و بیش از دوونیم برابر الگو، در گروه‌های متفاوتی قرار می‌گیرد. بنابراین میزان افزایش هزینه برای خانوارها به سطح مصرف آنها بستگی دارد. افزایش سقف قیمت برق در بازار عمده‌فروشی می‌تواند از محل فروش برق، بر درآمد نیروگاه‌هایی که در این بازار فعالیت دارند اثر گذار باشد. در میان نمادهای بورسی و فرابورسی، شرکت‌هایی مانند بمپنا، بجهرم، بگیلان، دماوند، وهور و بزاگرس از جمله نمادهایی هستند که باید اثر این تغییرات بر عملکرد آنها بررسی شود. البته افزایش نرخ فروش برق لزوما به معنای رشد قطعی سودآوری این شرکت‌ها نیست؛ زیرا هم‌زمان نرخ سوخت مصرفی نیروگاه‌ها نیز افزایش یافته و بالا رفتن هزینه سوخت می‌تواند بخشی از منافع ناشی از افزایش قیمت فروش برق را خنثی کند. در نتیجه، برای ارزیابی اثر نهایی این تصمیم باید میزان افزایش درآمد فروش برق در کنار رشد هزینه سوخت هر شرکت بررسی شود. در سوی دیگر، افزایش هزینه تأمین برق می‌تواند برای صنایع بزرگ و انرژی‌بر اهمیت داشته باشد. صنایعی مانند فولاد، سیمان، آلومینیوم و پتروشیمی به دلیل مصرف بالای انرژی، ممکن است با افزایش هزینه‌های تولید مواجه شوند. در گروه فولادی، نمادهایی مانند فولاد، فخوز، کاوه و ذوب و در گروه فلزات اساسی، نماد فملی از جمله شرکت‌هایی هستند که تغییر هزینه انرژی می‌تواند بر بهای تمام‌شده محصولات آنها اثر بگذارد. همچنین شرکت‌های فعال در صنعت آلومینیوم مانند فایرا نیز باید از این منظر مورد توجه قرار گیرند. با این حال، میزان اثر گذاری بر سودآوری این شرکت‌ها به سهم برق در بهای تمام‌شده، میزان مصرف، نحوه تأمین انرژی و امکان انتقال افزایش هزینه به قیمت فروش محصولات بستگی دارد. تغییرات اعمال‌شده از ابتدای آبان را باید از سه زاویه بررسی کرد: افزایش نرخ سوخت تحویلی به نیروگاه‌ها، افزایش سقف قیمت برق در بازار عمده‌فروشی و تغییر مولفه هزینه سوخت در قبوض مشترکان. در این میان، نیروگاه‌ها ممکن است از افزایش سقف قیمت فروش برق منتفع شوند، اما رشد هزینه سوخت می‌تواند بخشی از این اثر مثبت را کاهش دهد. در مقابل، صنایع انرژی‌بر نیز ممکن است با افزایش هزینه تولید روبرو شوند. نمادهای نیروگاهی که می‌توانند از تغییرات نرخ فروش برق تأثیر بپذیرند، عبارتند از: بمپنا، بجهرم، بگیلان، دماوند، وهور و بزاگرس. در سوی دیگر، شرکت‌های فولادی، سیمانی، آلومینیومی و پتروشیمی به دلیل مصرف انرژی، از جمله گروه‌هایی هستند که باید اثر تغییر هزینه برق و سوخت را بر عملکرد خود بررسی کنند. از جمله نمادهای قابل توجه در این گروه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **فولادی‌ها:** فولاد، فخوز، کاوه و ذوب
- **فلزات اساسی:** فملی و فایرا
- **سایر صنایع انرژی‌بر:** شرکت‌های سیمانی و پتروشیمی

«تعادل» روند معاملات بورس‌های جهانی را بررسی می‌کند

بازگشت بورس‌های جهانی به مدار صعود



بازارهای سهام آسیا در معاملات روز ۲ نوامبر، بار دیگر به مدار صعود بازگشتند؛ اتفاقی که در پی افزایش امیدواری سرمایه‌گذاران نسبت به انتشار گزارش درآمدی شرکت اپل و کاهش نگرانی‌ها درباره هزینه‌های سنگین سرمایه‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی رخ داد. در شرایطی که عملکرد شرکت‌های بزرگ فناوری به یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده مسیر بازارهای جهانی تبدیل شده است، فعالان بازار در انتظار نشانه‌هایی از توانایی غول‌های فناوری برای تبدیل سرمایه‌گذاری‌های گسترده به درآمد و سودآوری هستند. همزمان، قیمت نفت در پی ادامه گفت‌وگوها میان مقام‌های ایرانی و قطری کاهش یافت؛ هرچند تداوم حملات به نفتکش‌ها در خلیج‌فارس همچنان از عوامل اثرگذار بر فضای بازار انرژی محسوب می‌شود.

بازگشت معاملات آتی امریکا به مسیر صعودی

در ساعات ابتدایی معاملات روز دوشنبه، قراردادهای آتی سهام امریکا افزایش یافتند و بخشی از فشار فروش هفته گذشته را جبران کردند. معاملات آتی شاخص اس‌اندپی ۵۰۰ با رشد ۰.۵ درصدی همراه شد و شاخص آتی نزدک ۱۰۰ نیز ۰.۹ درصد افزایش یافت. همچنین، قراردادهای آتی مرتبط با شاخص صنعتی داوجونز با رشد ۱۸۶ واحدی، معادل ۰.۴ درصد، معامله شدند. این تحرکات در شرایطی اتفاق افتاد که سه شاخص اصلی بازار سهام امریکا هفته گذشته را با افت به پایان رسانده بودند. نگرانی درباره هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی، به‌ویژه پس از انتشار گزارش‌های مالی و پیش‌بینی‌های شرکت‌های بزرگ فناوری، فشار قابل توجهی بر سهام این بخش وارد کرد. در مجموع، شاخص‌های اس‌اندپی ۵۰۰ و داوجونز در هفته گذشته کمتر از یک درصد کاهش یافتند و شاخص نزدک کامپوزیت نیز افتی ۲ درصدی را تجربه کرد. با وجود این، رشد معاملات آتی در آغاز هفته جدید نشان داد که سرمایه‌گذاران همچنان به دنبال نشانه‌هایی برای بازگشت اعتماد به بازار هستند. انتشار گزارش‌های مالی شرکت‌های بزرگ، آمار اشتغال امریکا و نتیجه انتخابات میان‌دوره‌ای این کشور از جمله رویدادهایی هستند که می‌توانند در روزهای آینده جهت حرکت بازارها را مشخص کنند.

اپل در کانون توجه سرمایه‌گذاران

یکی از مهم‌ترین رویدادهای روز دوشنبه، انتشار گزارش مالی شرکت اپل پس از پایان معاملات عادی بازار امریکا است. سرمایه‌گذاران امیدوارند عملکرد این شرکت بتواند تا اندازه‌ای از نگرانی‌ها درباره افزایش هزینه‌های مرتبط با هوش مصنوعی بکاهد و تصویری روشن‌تر از وضعیت تقاضا در بازار محصولات فناوری ارایه دهد. اپل در مقایسه با برخی دیگر از غول‌های فناوری، به دلیل خودداری از صرف میلیاردها دلار برای توسعه مراکز داده، در کانون توجه بخشی از سرمایه‌گذارانی قرار گرفته است که نسبت به ابعاد سرمایه‌گذاری‌های سنگین در زیرساخت‌های هوش مصنوعی تردید دارند. سهام این شرکت طی چهار ماه متوالی افزایش یافته و همین عملکرد به اپل کمک کرده است تا جایگاه اپل را به عنوان ارزشمندترین شرکت سهامی عام جهان تصاحب کند. براساس پیش‌بینی تحلیلگران، انتظار می‌رود سود هر سهم اپل در فصل مورد بررسی به ۲ دلار برسد و درآمد این شرکت حدود ۱۱۳ میلیارد دلار باشد. این در حالی است که سود هر سهم اپل در دوره مشابه سال گذشته ۱.۸۵ دلار گزارش شده بود. در صورت تحقق این پیش‌بینی‌ها، عملکرد مالی شرکت نسبت به سال گذشته بهبود خواهد یافت. با این حال، توجه سرمایه‌گذاران تنها به عملکرد گذشته اپل محدود نیست. بازار همچنین منتظر دریافت اطلاعاتی درباره فروش اولیه آیفون ۱۸ است؛ محصولی که پیش‌سفارش آن از اواسط اکتبر آغاز شده است. هرگونه نشانه درباره میزان استقبال مشتریان از این محصول می‌تواند در ارزیابی چشم‌انداز درآمدی اپل و وضعیت تقاضا در بازار فناوری اهمیت داشته باشد. انتشار این گزارش در شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که سهام شرکت‌های فناوری در هفته‌های گذشته تحت فشار قرار گرفته‌اند و سرمایه‌گذاران نسبت به میزان بازدهی سرمایه‌گذاری‌های گسترده در هوش مصنوعی حساس‌تر شده‌اند.

هزینه‌های هوش مصنوعی چالش اصلی بازار سهام

نگرانی درباره هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت‌های بزرگ فناوری به یکی از مهم‌ترین محورهای تحلیل بازارهای جهانی تبدیل شده است. شرکت‌های فعال در این حوزه برای توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی، مراکز داده و ظرفیت پردازشی، مبالغ هنگفتی اختصاص داده‌اند؛ اما پرسش اصلی سرمایه‌گذاران این است که این هزینه‌ها تا چه اندازه می‌توانند در آینده به رشد پایدار درآمد و سود منجر شوند. در هفته گذشته، نشانه‌هایی از احتمال تعدیل برنامه‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ موجب افزایش احتیاط در بازار شد. آلفابت و مایکروسافت پیش‌بینی‌هایی درباره هزینه‌های سرمایه‌ای ارایه کردند که پایین‌تر از انتظارات بازار ارزیابی شد. آمازون نیز برآورد هزینه‌های سرمایه‌ای خود برای کل سال را بدون تغییر نگه داشت. این تحولات به افزایش تردیدها درباره روند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هوش مصنوعی دامن زد و فشار فروش را در سهام فناوری افزایش داد. در مقابل، آغاز هفته با انتشار خبر اقدام شرکت آنتروپیک برای عرضه اولیه سهام همراه شد؛ خبری که به رشد سهام مرتبط با هوش مصنوعی کمک کرد. با این حال، خوش‌بینی اولیه نتوانست در تمام طول هفته دوام بیاورد و نگرانی‌ها درباره هزینه‌های سرمایه‌ای و بازدهی این سرمایه‌گذاری‌ها دوباره بر معاملات غلبه کرد. بن اسنایدر، استراتژیست ارشد سهام امریکا در گلدمن ساکس، در یادداشتی به چالش اصلی پیش روی سرمایه‌گذاران اشاره کرد و نوشت که رشد درآمد شرکت‌ها همچنان قوی است، اما شتاب این رشد دیگر افزایش نمی‌یابد. این ارزیابی نشان می‌دهد که ادامه رشد درآمد به‌تنهایی برای حفظ خوش‌بینی بازار کافی نیست و سرمایه‌گذاران به دنبال نشانه‌های تازه‌ای از بهبود چشم‌انداز سودآوری هستند. برآوردهای گلدمن ساکس نیز ابعاد این موضوع را روشن‌تر می‌کند. تحلیلگران این موسسه انتظار دارند هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت‌های بزرگ در سال جاری تقریباً دوبرابر شود و به ۸۰۰ میلیارد دلار برسد. پیش‌بینی آنها حاکی از آن است که این رقم در سال ۲۰۲۷ به ۱.۲ تریلیون دلار افزایش خواهد یافت. در همین حال، گلدمن ساکس پیش‌بینی می‌کند رشد سود هر سهم شرکت‌های حاضر در شاخص اس‌اندپی ۵۰۰ که در سال ۲۰۲۶ حدود ۳۰ درصد برآورد شده، در سال آینده به ۱۸ درصد کاهش یابد. این چشم‌انداز، اهمیت ارزیابی دقیق‌تر نسبت میان هزینه‌های سرمایه‌ای و رشد سود شرکت‌ها را برای سرمایه‌گذاران افزایش داده است.

سقوط اینتل و افزایش حساسیت در صنعت تراشه

یکی دیگر از رویدادهای اثرگذار بر فضای بازار فناوری، افت شدید سهام اینتل در معاملات روز جمعه بود. سهام این شرکت حدود ۲۹ درصد سقوط کرد؛ اتفاقی که حساسیت سرمایه‌گذاران نسبت به وضعیت سایر شرکت‌های فعال در صنعت نیمه‌رسانا، از جمله ای‌ام‌دی، را افزایش داد. افت سهام اینتل در شرایطی رخ داد که شرکت‌های مرتبط با هوش مصنوعی و تولید تراشه با انتظارات بالایی درباره رشد تقاضا مواجه هستند. از یک سو، توسعه هوش مصنوعی به افزایش نیاز به ظرفیت پردازشی و تجهیزات پیشرفته منجر شده است و از سوی دیگر، نگرانی درباره هزینه‌های توسعه زیرساخت‌ها و میزان بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها همچنان ادامه دارد. در چنین فضایی، سرمایه‌گذاران علاوه بر بررسی رشد درآمد شرکت‌ها، به شاخص‌های فنی و روند معاملات نیز توجه می‌کنند. وارن پایز از موسسه تحقیقاتی تری فورتین ریسرچ، با اشاره به افزایش برآوردهای درآمدی آتی و نکات مثبت موجود در پرونده ثبت‌شده آنتروپیک، ارزیابی مثبتی از روند بنیادی سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی ارایه کرد. او روز جمعه در برنامه کلوزینگ بل اورتایم شبکه سی‌ان‌بی‌سی گفت که از نظر بنیادی، ایرادی در روند سرمایه‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی نمی‌بیند؛ با این حال، تأکید کرد که شاخص‌های فنی می‌توانند تصویر متفاوتی ارایه دهند. این اظهارنظر نشان می‌دهد که حتی در صورت حفظ چشم‌انداز بنیادی مثبت، شرایط معاملاتی و فشار فروش می‌توانند بر عملکرد کوتاه‌مدت سهام فناوری تأثیر بگذارند.

عملکرد متفاوت بازارهای سهام آسیا

در بازارهای آسیایی، معاملات روز دوشنبه عمدتاً با رشد شاخص‌ها همراه بود، هرچند عملکرد همه بازارها یکسان نبود. شاخص نیکی ۲۲۵ ژاپن با افزایش ۰.۳۳ درصدی به سطح ۶۳ هزار و ۸۱.۸۶ واحد رسید. در کره جنوبی، شاخص کوسپی با رشد ۲.۳۸ درصدی تا سطح ۵ هزار و ۸۵۹.۰۸ واحد بالا رفت و بیشترین افزایش را در میان شاخص‌های منطقه ثبت کرد. در هنگ‌کنگ، شاخص هنگ‌سنگ در آخرین ساعت معاملات ۰.۴۴ درصد افزایش یافت و شاخص سی‌اس‌آی ۳۰۰ چین نیز با رشد ۰.۷۹ درصدی همراه شد. در مقابل، شاخص معیار اس‌اندپی/ای‌اس‌اکس ۲۰۰ استرالیا ۰.۵۳ درصد کاهش یافت. این تفاوت در عملکرد بازارهای منطقه نشان می‌دهد که بازگشت تقاضا در آسیا یکدست نبوده است. در حالی که بخشی از بازارها از بهبود فضای معاملات جهانی حمایت شدند، برخی دیگر همچنان تحت تأثیر عوامل داخلی و شرایط متفاوت عرضه و تقاضا قرار داشتند.

انتخابات امریکا و نگرانی از موانع سیاسی

انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا یکی دیگر از عوامل مهمی است که سرمایه‌گذاران در روزهای آینده زیر نظر خواهند داشت. احتمال تغییر ترکیب سیاسی کنگره می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های مرتبط با توسعه مراکز داده و سیاست‌های حوزه فناوری تأثیر بگذارد. در این میان، احتمال افزایش موانع سیاسی برای پروژه‌های زیرساختی، به‌ویژه مراکز داده به یکی از نگرانی‌های مطرح در بازار تبدیل شده است. انتظار می‌رود انتخابات روز سه‌شنبه برگزار شود. پیش‌بینی‌ها از احتمال تصاحب مجلس نمایندگان توسط دموکرات‌ها حکایت دارد، در حالی که نتیجه رقابت برای کنترل سنا همچنان نامشخص است. مایک دیکسون، رییس تحقیقات و استراتژی‌های کمی موسسه هوایزن، در یادداشتی به تغییر رفتار سرمایه‌گذاران اشاره کرد و گفت آنها در شرایط افزایش ریسک‌های مرتبط با هوش مصنوعی، به‌جای تمرکز صرف بر کسب سود بیشتر از این حوزه، فرصت‌های بازدهی قابل توجهی را در گروه‌های دیگر سهام نیز جست‌وجو می‌کنند. دیکسون همچنین تأکید کرد که باوجود نگرانی برخی سرمایه‌گذاران از تأثیر تغییرات سیاسی واشنگتن بر بازارها، سهام معمولاً صرف‌نظر از اینکه کدام حزب کنترل کنگره را در اختیار بگیرد، تمایل به ثبات دارند. این دیدگاه در شرایطی مطرح می‌شود که سرمایه‌گذاران باید همزمان ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و شرکتی را ارزیابی کنند.

انتظار بازار برای گزارش اشتغال و درآمد شرکت‌ها

در کنار انتخابات و گزارش مالی اپل، انتشار آمار اشتغال بخش غیرکشاورزی امریکا نیز از مهم‌ترین رویدادهای اقتصادی هفته جاری خواهد بود. این گزارش قرار است روز جمعه منتشر شود و براساس نظرسنجی داوجونز از اقتصاددانان، انتظار می‌رود تعداد مشاغل ایجادشده در ماه اکتبر به ۵۵ هزار مورد برسد. داده‌های بازار کار می‌تواند در ارزیابی وضعیت اقتصاد امریکا و چشم‌انداز فعالیت شرکت‌ها نقش مهمی داشته باشد. به همین دلیل، سرمایه‌گذاران علاوه بر گزارش‌های مالی، روند اشتغال را نیز برای سنجش شرایط اقتصادی دنبال خواهند کرد. در همین حال، دور جدیدی از انتشار گزارش‌های درآمدی شرکت‌ها در پیش است. اپل قرار است پس از پایان معاملات روز دوشنبه گزارش خود را منتشر کند و مک‌دونالد و کوالکام نیز در ادامه هفته نتایج مالی خود را اعلام خواهند کرد. عملکرد این شرکت‌ها می‌تواند اطلاعات بیشتری درباره وضعیت تقاضا، روند درآمدها و شرایط فعالیت بنگاه‌های بزرگ در اختیار بازار قرار دهد. در مجموع، بازارهای جهانی هفته جدید را در شرایطی آغاز کرده‌اند که امید به انتشار گزارش‌های مالی مثبت، به‌ویژه از سوی اپل، بانگرانی درباره هزینه‌های سنگین هوش مصنوعی، کندشدن شتاب رشد درآمدها و ابهامات سیاسی امریکا در هم آمیخته است. رشد معاملات آتی امریکا و افزایش بیشتر شاخص‌های آسیایی نشان‌دهنده بهبود نسبی فضای معاملات در آغاز هفته است، اما مسیر بعدی بازارها به اطلاعاتی بستگی دارد که از گزارش‌های درآمدی، آمار اشتغال و تحولات سیاسی و منطقه‌ای منتشر خواهد شد.

فلزات اساسی در دو مسیر متفاوت!

عملکرد فروش شرکت‌های گروه فلزات اساسی در هفت ماهه نخست سال ۱۴۰۵ از افزایش قابل توجه درآمد اسمی این صنعت حکایت دارد، به‌طوری که مجموع فروش شرکت‌های این گروه از یک‌هزار و ۵۰۴ همت عبور کرده است. با این حال، مقایسه روند فروش ریالی و دلاری نشان می‌دهد که افزایش درآمد ثبت‌شده در صورت‌های عملکرد ماهانه شرکت‌ها، به همان میزان در فروش دلاری منعکس نشده است. این تفاوت، ضرورت بررسی دقیق‌تر عملکرد شرکت‌های فلزات اساسی و توجه هم‌زمان به شاخص‌های ریالی و دلاری را برجسته می‌کند. براساس گزارش صدای بورس، بررسی آمار تجمیعی فروش شرکت‌های این گروه نشان می‌دهد که مجموع درآمد حاصل از فروش محصولات از ابتدای سال تا پایان مهرماه به یک میلیون و ۵۰۴ هزار و ۷۶۷ میلیارد تومان رسیده است. این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، رشد ۱۱۶۶ درصدی را ثبت کرده و رشد نقطه‌به‌نقطه فروش ریالی نیز ۱۲۸ درصد گزارش شده است. چنین ارقامی در نگاه نخست از افزایش چشمگیر درآمد شرکت‌های فعال در این صنعت حکایت دارند، اما بررسی سایر شاخص‌ها نشان می‌دهد که برای ارزیابی دقیق‌تر وضعیت فروش، نمی‌توان تنها به رشد ریالی درآمدها اتکا کرد.

رشد قابل توجه فروش ریالی در هفت ماهه نخست سال

یکی از مهم‌ترین نکات در بررسی عملکرد شرکت‌های فلزات اساسی، افزایش قابل توجه ارزش ریالی فروش در سال جاری است. عبور مجموع فروش این صنعت از مرز یک هزار و ۵۰۰ همت نشان می‌دهد که ارزش اسمی درآمدهای ثبت‌شده در مقایسه با دوره‌های گذشته افزایش یافته است. رشد ۱۱۶۶ درصدی فروش در هفت ماهه نخست سال نسبت به مدت مشابه سال گذشته نیز این روند را تأیید می‌کند. در کنار این موضوع، ثبت رشد ۱۲۸ درصدی فروش ریالی به‌صورت نقطه به نقطه، بیانگر افزایش ارزش فروش شرکت‌های این گروه در مقایسه با دوره مشابه سال قبل است. با این حال، برای تفسیر این ارقام باید میان افزایش ارزش اسمی درآمدها و تغییرات واقعی عملکرد فروش تمایز قائل شد. رشد ریالی فروش به‌تنهایی مشخص نمی‌کند که افزایش درآمد شرکت‌ها تا چه اندازه از تغییر مقدار فروش محصولات، تغییر ترکیب محصولات فروخته‌شده یا افزایش قیمت‌های فروش ناشی شده است. از همین رو، بررسی عملکرد گروه فلزات اساسی مستلزم توجه به مجموعه‌ای از شاخص‌هاست که بتوانند ابعاد مختلف وضعیت فروش شرکت‌ها را روشن کنند. در چنین شرایطی، مقایسه فروش ریالی با فروش دلاری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. زمانی که رشد درآمدهای ریالی با افزایش بسیار محدودتری در شاخص دلاری همراه می‌شود، مشخص است که این دو معیار تصویر یکسانی از عملکرد صنعت ارایه نمی‌کنند. بنابراین، تحلیلگران و فعالان بازار سرمایه برای ارزیابی بهتر وضعیت شرکت‌های فلزات اساسی باید علاوه بر ارقام ریالی، روند دلاری فروش را نیز در نظر بگیرند.

فروش مهرماه از میانگین ماهانه سال عبور کرد

بررسی عملکرد ماهانه گروه فلزات اساسی نیز از ثبت فروش قابل توجهی در مهرماه حکایت دارد. مجموع فروش شرکت‌های این صنعت در این ماه به ۲۹۳ هزار و ۳۵۸ میلیارد تومان رسید؛ رقمی که در مقایسه با فروش شهریورماه، افزایش ۳.۹ درصدی را نشان می‌دهد. افزون بر رشد ماهانه، فروش مهرماه ۴۵.۳ درصد بالاتر از میانگین ماهانه سال ۱۴۰۵ قرار گرفته است. این موضوع نشان می‌دهد که عملکرد فروش صنعت در مهرماه از متوسط ماهانه ثبت‌شده در سال جاری فراتر رفته و شرکت‌های این گروه در مجموع توانسته‌اند درآمد بیشتری نسبت به میانگین ماهانه خود ثبت کنند. اهمیت این شاخص از آن جهت است که بررسی روند فروش در بازه‌های ماهانه می‌تواند تغییرات عملکرد شرکت‌ها در طول سال آشکار کند. در حالی که آمار تجمیعی، تصویری کلی از درآمد ثبت‌شده از ابتدای سال ارایه می‌دهد، مقایسه ماهانه امکان بررسی بهتر تغییرات فروش در مقاطع مختلف را فراهم می‌کند. رشد ۳.۹ درصدی فروش مهرماه نسبت به شهریور، در کنار قرار گرفتن فروش این ماه در سطحی بالاتر از میانگین ماهانه سال، نشان می‌دهد که عملکرد اسمی فروش گروه در این مقطع با بهبود همراه بوده است. البته برای نتیجه‌گیری دقیق‌تر درباره پایداری این روند، بررسی عملکرد ماه‌های بعد و مقایسه آن با دوره‌های گذشته نیز ضرورت دارد. از سوی دیگر، افزایش فروش ماهانه در سطح کل صنعت لزوماً به معنای بهبود یکسان عملکرد تمام شرکت‌های فعال در این گروه نیست. ممکن است سهم برخی شرکت‌ها در رشد فروش تجمیعی بیشتر باشد و عملکرد سایر شرکت‌ها با روند کلی صنعت تفاوت داشته باشد. به همین دلیل، آمار کل گروه باید در کنار اطلاعات تفکیکی شرکت‌ها بررسی شود.

فروش هفت‌ماهه بالاتر از میانگین سال گذشته

یکی دیگر از شاخص‌های قابل توجه در عملکرد گروه فلزات اساسی، مقایسه فروش تجمیعی هفت ماهه نخست سال جاری با میانگین فروش سال گذشته است. براساس آمار ارایه‌شده، فروش هفت ماهه این صنعت ۱۴۴.۷ درصد بالاتر از میانگین فروش سال ۱۴۰۴ قرار گرفته است. همچنین مقایسه عملکرد هفت ماهه با میانگین فروش سال ۱۴۰۵، از اختلاف مثبت ۴۵.۳ درصدی حکایت دارد. این ارقام نشان می‌دهند که ارزش فروش ثبت‌شده در هفت ماهه نخست سال، در مقایسه با میانگین‌های مورد بررسی، در سطح بالاتری قرار گرفته است. با این حال، در تفسیر این شاخص‌ها باید به تفاوت میان فروش تجمیعی یک دوره هفت‌ماهه و میانگین فروش ماهانه توجه داشت. مقایسه مجموع فروش چند ماه با میانگین فروش یک سال، بدون در نظر گرفتن تفاوت مبنای زمانی، می‌تواند برداشت نادرستی از عملکرد شرکت‌ها ایجاد کند. بنابراین، برای ارزیابی دقیق‌تر، لازم است دوره‌های مقایسه‌شده از نظر زمانی و روش محاسبه به‌درستی در نظر گرفته شوند. با وجود این ملاحظه، آمار منتشرشده از رشد قابل توجه ارزش اسمی فروش شرکت‌های فلزات اساسی در سال جاری حکایت دارد. مجموع فروش بیش از یک هزار و ۵۰۴ همتی در هفت ماهه نخست سال و رشد قابل توجه آن در مقایسه با دوره مشابه سال قبل، اهمیت این گروه را در بررسی عملکرد صنایع بورسی برجسته می‌کند.

فاصله رشد ریالی و دلاری

در شرایطی که فروش ریالی گروه فلزات اساسی در هفت ماهه نخست سال رشد ۱۱۶۶ درصدی را ثبت کرده، افزایش فروش دلاری این صنعت در همین بازه زمانی تنها ۳.۷ درصد بوده است. این اختلاف قابل توجه میان دو شاخص، یکی از مهم‌ترین نکات در بررسی عملکرد فروش شرکت‌های این گروه به شمار می‌رود. رشد محدود فروش دلاری در مقایسه با افزایش بیش از ۱۱۶ درصدی فروش ریالی نشان می‌دهد که دو شاخص، تصویر متفاوتی از روند درآمد شرکت‌ها ارایه می‌کنند. به بیان دیگر، افزایش ارزش ریالی فروش را نمی‌توان بدون بررسی شاخص دلاری، معادل افزایش هم‌اندازه در ارزش فروش برمبنای ارز در نظر گرفت. البته رشد فروش دلاری نیز به‌تنهایی برای نتیجه‌گیری درباره عملکرد عملیاتی شرکت‌ها کافی نیست. برای تحلیل دقیق‌تر باید اطلاعات مربوط به مقدار فروش محصولات، نرخ‌های فروش، ترکیب محصولات و تغییرات درآمدی هر شرکت نیز بررسی شود. این اطلاعات می‌توانند مشخص کنند که تغییرات درآمد تا چه اندازه از عملکرد فروش و تا چه میزان از سایر عوامل اثرپذیرفته است. از منظر تحلیل بازار سرمایه، توجه به این تفاوت اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا رشد درآمد اسمی یکی از معیارهای مورد استفاده برای بررسی عملکرد شرکت‌هاست، اما به‌تنهایی نمی‌تواند تمام ابعاد وضعیت مالی و عملیاتی آنها را نشان دهد. بنابراین، اتکا به یک شاخص و نادیده گرفتن سایر معیارها ممکن است به ارزیابی ناقص از وضعیت صنعت منجر شود. در نتیجه، رشد ۳.۷ درصدی فروش دلاری در کنار افزایش قابل توجه فروش ریالی، ضرورت بررسی دقیق‌تر عملکرد شرکت‌های فلزات اساسی را برجسته می‌کند. این موضوع به‌ویژه زمانی اهمیت دارد که هدف، مقایسه عملکرد شرکت‌ها در دوره‌های مختلف و ارزیابی روند تغییرات درآمد آنها باشد.

آیا همه نمادهای فلزات اساسی عملکرد مشابهی دارند؟

در کنار آمار تجمیعی صنعت، بررسی عملکرد تک‌تک شرکت‌های گروه فلزات اساسی نیز اهمیت دارد. مجموع فروش یک صنعت، حاصل عملکرد مجموعه‌ای از شرکت‌هاست و لزوماً نشان‌دهنده وضعیت یکسان تمام نمادهای فعال در آن گروه نیست. تغییرات فروش ماهانه، میزان درآمد تجمیعی از ابتدای سال و مقایسه عملکرد هر شرکت با دوره مشابه سال گذشته، از جمله معیارهایی هستند که می‌توانند تصویر روشن‌تری از وضعیت شرکت‌ها ارایه دهند. بررسی این شاخص‌ها در سطح هر نماد، امکان شناسایی تفاوت‌های عملکردی میان شرکت‌ها را فراهم می‌کند. برای مثال، رشد فروش در سطح صنعت ممکن است تحت تأثیر عملکرد تعدادی از شرکت‌ها قرار گرفته باشد؛ در چنین شرایطی، نمی‌توان نتیجه گرفت که تمام شرکت‌های گروه به یک میزان از افزایش درآمد برخوردار شده‌اند. به همین ترتیب، ثبت فروش بالاتر در یک ماه نیز لزوماً به معنای تداوم روند صعودی در ماه‌های آینده نیست. از این رو، تحلیل عملکرد گروه فلزات اساسی باید در دو سطح انجام شود؛ نخست، بررسی روند کلی فروش صنعت بر اساس آمار تجمیعی و دوم، ارزیابی جداگانه عملکرد شرکت‌ها و نمادهای فعال در این گروه. ترکیب این دو سطح از تحلیل، امکان مقایسه دقیق‌تر وضعیت صنعت و شناسایی تفاوت‌های موجود میان شرکت‌ها را فراهم می‌کند.

رشد اسمی فروش برای قضاوت کافی نیست

مجموع آمارهای منتشرشده از عملکرد فروش گروه فلزات اساسی در هفت ماهه نخست سال ۱۴۰۵، از افزایش قابل توجه ارزش ریالی فروش این صنعت حکایت دارد. مجموع فروش شرکت‌های این گروه به یک میلیون و ۵۰۴ هزار و ۷۶۷ میلیارد تومان رسیده و فروش مهرماه نیز با ثبت ۲۹۳ هزار و ۳۵۸ میلیارد تومان، نسبت به شهریورماه افزایش یافته است. در کنار این ارقام، قرار گرفتن فروش مهرماه در سطحی بالاتر از میانگین ماهانه سال جاری و ثبت فروش هفت‌ما